

سرخوشان ولایت

سیری در زندگانی سه شاعر عارف و حکیم متأله اردبیل
(شمس عطار، میرزا محسن عماد، میرزا محمد علی احزن)

با مقدمه

استاد و جوهر صدوقی سها

محمد قاضی دهی



انتشارات سفیر اردهال

سرشناسه	قاضی دهی، محمد، ۱۳۵۵
عنوان و نام پدیدآور	سرخوشان ولایت: سیری در زندگانی سه شاعر عارف و حکیم متاله اردبیل (شمس عطار، میرزا محسن عماد، میرزا محمدعلی احزن) / محمد قاضی دهی: با مقدمه منوچهر صدوقی سها
مشخصات نشر	تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	۲۵۴ص: ۱۴/۵*۲۱/۵ س.م.
وضعیت فهرست نویسی	فیا
زمانه گردآوری	سیری در زندگانی سه شاعر عارف و حکیم متاله اردبیل (شمس عطار، میرزا محسن عماد، میرزا محمدعلی احزن).
موضوعات	ع. ر، شمس
موضوع	حالی، محن، ۱۳۳۳-۱۳۵۰
موضوع	احزن، اردبیل، میرزا محمدعلی
موضوع	شاعران ایرانی - اردبیل - سرگذشتنامه
موضوع	Poets' Irania--Ardebil--Biography
شناسه افزوده	صدوقی سها، منوچهر، ۱۳۰۷
رده بندی کنگره	PIR۴۸۴
رده بندی دیویی	۸۱۰/۰۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۵۸۶۳۸۱۰



انتشارات سفیر اردغال

سرخوشان ولایت

سیری در زندگانی سه شاعر عارف و حکیم متأله اردبیل
(شمس عطار، میرزا محسن عماد، میرزا محمد علی احزن)

با مقدمه

امداد منوچهر صدوقی سها

محمد تصنی دهی

شماره شابک: ۸-۷۶۰-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸

صفحه آرائی، طراحی جلد: واحد آماده سازی سر دفتر اردغال

لیتوگرافی: نویس | چاپ: عتوت | صحافی: مشر

قیمت: ۴۰.۰۰۰ تومان

نویت چاپ: اول - ۱۳۹۸

شماره نشر: ۸۰۱-۱

شمارگان: ۶۰۰ نسخه

نشانی دفتر: تهران، خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبروی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴

کد پستی: ۷۴۷۱۵-۱۵۸۱۸

تلفن مرکز بخش: ۸۸۳۱۳۸۹۸ - ۸۸۳۱۹۳۴۲ - ۰۲۱

www.safirardehal.ir

www.safirardehal.com

email: safirardehal@yahoo.com

© حق چاپ: ۱۳۹۸

هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستند نویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۹.....	مقدمه حکیم متأله حضرت استاد منوچهر صدوقی سها.....
۱۵	فصل اول: شرح حال و معرفی آثار عارف واصل مرحوم شمس عطار اردبیلی
۱۷.....	مقدمه.....
۲۲.....	شمس عطار اردبیلی.....
۲۵.....	شرح زندگانی استاد شمس عطار اردبیلی.....
۳۰.....	ریقت عرفانی شمس عطار اردبیلی.....
۴۲.....	اشعار باقی مانده از مرحوم شمس عطار اردبیلی.....
۶۳.....	فصل دوم: شرح حال و معرفی آثار عارف وارسته مرحوم میرزا محسن عماد اردبیلی.....
۶۴.....	سرآغاز.....
۶۶.....	زندگی نامه مرحوم عماد اردبیلی.....
۷۰.....	آشنایی با سلسله ذهبیه.....
۹۹.....	اساتید عماد اردبیلی.....
۱۱۴.....	مقام علمی و معنوی عماد اردبیلی.....
۱۱۶.....	القاب عماد اردبیلی.....
۱۲۱.....	شاخصه های عرفان عماد اردبیلی.....
۱۲۹.....	کرامات و حالات معنوی.....
۱۳۱.....	آثار و تألیفات.....
۱۳۹.....	سفر ابدی.....
۱۴۶.....	نمونه اشعار.....
۱۸۲.....	فصل سوم: شرح حال و معرفی آثار عارف وارسته مرحوم میرزا محمدعلی احزن اردبیلی..
۱۸۳.....	سیری در زندگانی و آثار میرزا محمدعلی احزن اردبیلی.....
۱۸۳.....	مقدمه.....
۲۰۲.....	زندگانی و آثار میرزا محمدعلی احزن اردبیلی.....
۲۰۵.....	نمونه اشعار.....
۲۴۵.....	منابع و مأخذ.....
۲۵۰.....	نمایه.....

مقدمه حکیم متأله حضرت استاد منوچهر صدوقی سها

هو الحق

والصلوة التامة على وليه المطلق

اربابیل صانها الله عن العذاب الوبیل - هر چند که حکم ظاهر را از روزگار صفوت بوده است که از سر مرکزیتی که بهر امور معنوی پیدا کرده بوده است، دارالاراداد نایده بدست، افزون بر اینکه به پیش از ورود اسلام نیز به لحاظ وقوع کوه میلان بدان که گفته می شود که مسکن و بلکه معبد گروهی از فرزندگان می بود - است، بدست شمرده می شده است. از صدر اسلام هم به دلیل وجود برخی از اهل بی و اجد چنان صفتی به شمار اندر می آمده است همچون پیرابوسعید که علی المشهور از حاضرین سید الطایفه جنید بغدادی می بوده است و شاید هم از برکشیدگان او، و اما نشأت شصت شخیص شیخ صفی الدین و والد ماجد او شیخ امین الدین بدان = ربابیل > از منظری فنونولوژیکال دلیل وجود سابقه ی امور معنوی بدان است و هر گونه ای که می بوده باشد آن سنت سنیه به روزگاران متأخر نیز بدان ساری و جاری می بوده است و تجلیاتی می یافته است گونه گونه به ساحاتی چنان و از آن میان مر جمله چنین می توان آورد که: الف - علمائی می بوده اند حائز مراتب والای اجتهاد و صاحبان و اجد عنوان مرجعیت تقلید و ریاست عظمای دینی و دنیوی که از اقبال به سلوک نیز بهره هائی می داشته اند؛ همچون شیخ الطائفه حاج میرزا محسن مجتهد و در تن از اولاد امجاد معظم له؛ آقامیرزا یوسف آقای مجتهد که به میانه ی آثار متعدد او رساله ای نیز به سلوک موجود و مطبوع است و آقامیرزا عبدالله مجتهد و هم صهر معظم آن بزرگ > = حاج میرزا محسن مجتهد > یعنی آقامیرزا سید صالح آقای مجتهد عاملی دارنده ی تعلیقات محاسبه النفس سید بن طاووس و میرزا اسحق بن محمد کاظم صدر العلماء دارنده ی «گلزار یوسفی» و «حدائق ناصری» مشتمل بر تصویقات و آقا سید مرتضای خلخالی جد امجد آقا سید محمد مفتی الشیعه از تلامیذ و بلکه

اصحاب شیخ المشایخ حاج ملاعلی بن خلیل طهرانی؛ استادسلوک ملّا فتحعلی سلطان آبادی و آقامیرسید محی الدین مجتهدعاملی؛ والدماجد آقا سید یونس یونسی نیز از اصحاب ملّا فتحعلی - المعظم له المذکور اسمہ الشریف - و آقا میر سید حبیب الله مجتهد عاملی صاحب الکرامات و به میانه ی متأخری المتأخرین آقا شیخ عبدالعظیم صدوقی «شیخ العلماء» و آقا شیخ ابوالفضل صابنی و آقا میرزا ابراهیم بن آقامیرزا عبدالله مجتهد بن حاج میرزا محسن مجتهد از اصحاب و بلکه حلفاء شیخ المشایخ آقا شیخ ابراهیم امام زاده زیدی طهرانی که خاک آنان پاک است و یا بک تر باد.

ب - اما صاحب تصوف رسمی کلاسیک، داستان به درازا اندر می شود و چنین می توان به اشارت اندر آورد که جمیع سلاسل معروف رائج به روزگاران متأخر را بدان < اردبیل > مایندگانی می بوده اند برین، بدین گونه که می آید:

۱ - به سلسله نعمة اللهیه و فرریع از نخست می باید بیاورد نام میرزا نصرالله نصرت علی شاه صدرالممالک و سرور برادر آقامیرزا هادی قدرت علی شاه صدرالممالک ثانی را و آنگاه برخی از اعضاء آن خاندان را همچون میرزا احمدخان صدر شهیر به «حاجی مرجبا»؛ شیخ سلسله ی کوثریه مراغه ای و نصرت آقای صدر و پس آنگاه حاج لطیف برنجیان «عالم» از مشایخ گون آبادیه و آقای خمسه ای شیخ سلسله ی مونس علی شاه را.

۲ - اما به سلسله ی ذهیّه آن داستانی که بگفتم که دراز است، درازتر می افتد از آنکه نام اردبیل اساساً با عنوان سلسله ی ذهیّه اندر هم آمیخته است، بالاخص بدین اواخر به لحاظ انتساب دو رکن < قطب > متأخر آن سلسله و یعنی آقامیرزا احمد نائب الولاية و آقامیرزا محمدعلی خان حبّ حیدر و آنگاه برخی اعظام مشایخ آن همچون میرزا حسین خان سر رشته دار گمنام و حاج میرزا محسن خوشنویس «عماد الفقراء» و مشهدی محمد آقای عنتیقه چی «معاون الفقراء» با آن < اردبیل >

۳ - از سلسله ی خاکسار نیز بدان می بوده اند و بالاخص می باید از میان آنان یاد کرد از «درویش کیشی عمی» که داستانی از او می دارم به تشرّف قلندرانه ای به

کربلای معلی - زاده‌الله شرفاً و علّاً - همراه با برخی از اهل دل که از سرانصاف داستانی است عجیب و آنگاه «حکیمانه» که از او نیز غریبی منقول است - علماً و عملاً و لتعلم ما قال من قال - نظر به چشم حقارت در این گروه مکن.

۴ - چنانکه احد از مشایخ سلسله ی اویسیه عنقائیه نیز با آن => اردبیل < منسوب است و یعنی شیخ محمدباقر نمینی دارنده ی «تذکره اقطاب اویسی» به مجلّداتی عدید که به علمیات نیز از تلامیذ استادی الاستناد آقاجیحای طالقانی می بود - جزاء الله فی خیر جزاء المحسنین المعلمین للخیر - به شرح منظومه و اسفار.

۵ - هم سخن نزد بدین ساحت به یاد سلسله ی نقشبندیّه کنم که وجود آن بدین ولایت => اردبیل < - عجب اعجاب است بدین بیان که سلسله ی مزبوره از اصول سلاسل تصوف می است تا بدان جایگاه که گفته شود که به میانه ی سلاسل صوفیه که نوعاً اصحاب آن خود را متهم به مولانا امیرالمومنین - سلام الله علیه - می گردانند چه به حوزه ی تسنّن و چه به حوزه ی تشیع، فقط آن سلسله => نقشبندیّه < است که به عین ادعا اتصال بدان حضرت، با سلسله ی اوّل نیز منتسب می آید و از این روی حضور آن، آن هم به تعاقب ایام به اردبیل - تشیع، آن هم تا بدانجای که از خاستگاه های تشیع در شمار آید فی الواقع از اعجاز اعجاب است و هر گونه ای که می بوده باشد اعجوبه ای چنین بدان => اردبیل < مشهود است - به رأس آن شیخ سعیدنقش بندی واقع می بوده است که البته شنیده ام که وسعت ک - بوده است که به آنین شیعی کفن و دفن شود و از پی او نیز کسانی می بوده اند که که نوعاً بالأخص به ادب عربی نیز از فضلاء در شمار اندرند.

ج - واپسین معنائی هم که بدین مقام اشارتی بدان بایستگی می رود - همان وجود نوادری است از «شیرین قلندران» بدان (= اردبیل):
وقت آن شیرین قلندر خوش که در اطوار سیر

ذکر تسبیح ملک در حلقه ی زنار داشت.

یا همان «عقلاء المجانین» یا «بهالیل» و بالأخص عاقلی دیوانه نما «شیخ محمد» نام شریف او که به میانه اهل آن ولایت از خواصّ و عوام مشهور است و معروف و من بنده نیز به اوائل طفولیت او را مکرراً به راهگذار زیارت کرده بودم و بعدها

شنیدم که آگاهی هائی فلسفی نیز می داشته است و بسی برتر از آن با ساحت
توحید افعالی رسیده بوده است - هینئاً لأرباب نعیمهم - و از مظاهر آن است آنچه
که از وقعه ی آتی که آقای بابا صفری هم آن را به کتاب خود آورده است،
برمی آید و این است آن که روزی به ایام تابستان شیخ محمد به گذرگاهی با بر
زبان آوری مکرر «اوز ایشی دی = کار خود او است» می گذشت و آن را به هنگام
عبور از کنر افسری آرثشی که او هم با همسر خویش از رهگذران می بود مکرر
گردان - و آن افسر که مسافر می بود و ترکی نمی دانست به پندار این که او
=> شیخ محمد متلکی با همسر او می گوید، دست بر آورد و قفائی بر صورت
شیخ نهاد جز آن ندید که شیخ روی بر آسمان کرد و گفت خدایا تو این همه
ستاره داری بر آسمان و تابه حال به شیخ محمد «تو» نگفته ای و این شخص با دو
سه ستاره ای که بر دهان من دارد، بر شیخ محمد قفا نهاد. یاسبحان الله...

بر در می کده رو من قلد رب اشند که ستانند و دهند افسر شاهنشاهی
یا سبحان الله، ثم یا سبحان الله...

باری نام دو تن دیگر نیز بدین اسم از قبل ذکر است البتّه باحفظ مراتب نخست
«حاجی فیض» و دیگر «لوتی کوری» یا «آقاداتی» از لطایف این دو می یکی آتی
است که احد از اعضاء خاندان ملک التجار در بیان حکایت کرد با من که به
روزگار اصلاحات ارضی، گاهی با حسین آقای «کر و کریم آقای شریعت که
املاک متعدّد آنان مشمول آن عنوان => اصلاحات ارضی» گشته بود و از دست
شده، به جائی ایستاده بودیم که «لوتی کوری» با ما رسید و گفت که شما عجب
مردمان زرنگی می بوده اید و چون گفتیم که به چه دلیل؟ بگفتن که من چهل
سال بدویدم و با گرد شما هم نرسیدم و اما شما چند روزه آن هم بر کران از آن که
بدوید با من رسیدید؟ و معلوم است که مراد آن می داشته است که من به چهل
سال نتوانستم اندک مالی فراهم آورم و شما به روزی چند، اموالی بس فراوان از
دست بدادید قوله تعالی: «تلك الايام نداولها بين الناس».

ایدونامی باید گفت که اوضاعی چنین که شطری از آن به ذکر اندر آمد بدان
ایام به اردبیل محقق می بوده است و لکن به لحاظ ریاست بی بدیل دینی و دنیوی

آقامیرزا علی اکبر آقای مجتهد؛ فرزند بزرگ حاج میرزا محسن آقای مجتهد که به عین و جادت، صفاء ضمیر و خلوص طوئیت و وارستگی واقعی و تنزه از دنیای دنیه که حتی خصمان سیاسی او هم نتوانسته اند آن را انکار کنند؛ تا بدان جایگاه که کسروی - علیه ماعلیه - به عین بدگوئی فراوان از او، به جانی آورده است که «مرد ساده درونی می بود...» - حافظ ظواهر شریعت می بوده است، چندان ظهور و بروز بهر اصحاب آن اوضاع مقدور نمی بوده است و به تعاقب ایام نیز علی القاعده بد آنان - آلا ماخرج بالدلیل - چندان بر زبان ها نمی آمده است و نمی رفته و از اجزاست که ایدونامی باید بسی آفرین خواند و سپاس گفت بر فاضل کوشا، صالح آقای محمد قاضی - زاده الله توفیقاً - که بدین رساله ی شریفه فرادست و دیده که در «سرخوشان ولایت» نام کرده است روی همت در تاریخ نگاری حیات طیبه ی - بی غیر از اهل باطن دیار خویش از علماء شریعت و جز آنان کرده است و بالاخص سناظری مجهول القدر همچون شمس عطار و میرزا محسن خوشنویس «عناصقرا و آقامیرزا ابراهیم حافظ مجتهدی > =مجتهدزاده» و میرزا محمد علی اسرار هم با برخی از متأخری المتأخرین پرداخته همچون شاعر سالک گرم سیر حسنی؛ مرحوم منعم و از افواه الرجال اخذ کرده است مطالبی را بدان باب که بس مغتنم است و هم با مستندی چند استناد کرده است مغفول عنه همچون دو تذکره ی مفید بزرگ یکی ریخته ی خامه ی میرزا عیسی اردبیلی المتخلص سابقاً بضیائی و لاحقاً به خاں و آن دیگر افروخته ی خاطر سید عظیم شیروانی که چنانکه آقای قاضی خود با مرزموهر دو آن به روزگار سلطه ی کمونیزم به قفقازیه مطبوع افتاده است و لکن هنوز هم چندان فرادست نمی آید و اگر هم جزاً و یا کلاً فرادست آید و از آن که بر زبان ترکی و خط کریل است بهر امثال ما جماعت فائدتی از آن حاصل نمی افتد و بسی مایه ی فرح و انبساط است که آقای قاضی افادت خویش را اقدام کرده است که تذکره ی شیروانی به زبان و خط پارسی در آورند تا به زینت طبعش بیاراید، مشروط بدینکه تنمیماً للفائده و تکمیلاً للعائده دریاب تذکره ی ضیائی نیز چنین کاری معمول آورد ان شاء الله.